

سهیلا امیری فراهانی

تاثیر روح بر بدن از منظر آیات و روایات

چکیده

تحقیق و بررسی بیشتر در روح و نفس بیانگر این واقعیت است که کنه و حقیقت در آن فقط از طریق روایات قابل بررسی می باشد

صریح متن قرآن و روایات وارد در ذیل این آیات نشانگر این جریان تاریخی است که مشرکین یا اهل کتاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حقیقت روح سؤال کردند

از تو درباره (1) «در پاسخ یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیتم من العلم الا قليلا روح سؤال می کنند بگو: روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش به شما درباره روح داده نشده است

از مجموع قرائن موجود در این آیه و ملاحظه روایات پیشوایان اسلام و نظرات دانشمندان و صاحب نظران در این مورد چنین استفاده می شود که پرسش کنندگان، از حقیقت روح آدمی سؤال می کردند،

همین روح عظیمی که ما را از حیوانات جدا می سازد و برترین شرف انسانها است و تمام قدرت و فعالیت ما از آن سرچشمه می گیرد و به کمک آن زمین و آسمان را جولانگاه خود می دهیم و اسرار علوم را می شکافیم! و تا اعماق موجودات راه می یابیم

از آنجا که روح، ساختاری مغایر با ساختار ماده داشته، اصول حاکم بر آن غیر از اصول حاکم بر ماده و خواص فیزیکی و شیمیایی آن است. پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور می شود در یک جمله کوتاه و پرمعنی بگوید: «روح از عالم امر است». یعنی روح خلقتی اسرارآمیز و شگفت انگیز و مرموز دارد از زمانی که خداوند متعال با وحی بر پیامبرانش از دمیدن «روح» خود در پیکر انسان پرده برداشت، واژه روح به عنوان یکی از واژه های پر رمز و راز در حوزه انسان شناسی مطرح شد. پس از آن فیلسوفان، متکلمان، عارفان و روان شناسان در بیان حقیقت آن نظراتی ابراز داشتند. به رغم پاره ای اشتراکات در کاربرد این واژه در ادیان و علوم، تفاسیر متفاوتی از روح ارائه شده است. این واژه در زبان های عربی و عبری با گویشی یکسان به کار رفته است و در آیات تورات، انجیل و قرآن نیز با همین لفظ آمده و منشأ تفسیرهای مختلفی شده است.

برای روح استفاده می شود که هر یک مفهوم S و Spirit, Ghost در زبان انگلیسی الفاظی چون نزدیک به دیگری ولی در عین حال متفاوتی را القا می کند.

برای جلوگیری از خلط در مفاهیم، بهتر آن است که مطالعه پدیده روح در هر نظام با تعبیر خاص همان نظام فکری مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی این نوشتار، ارائه تصویری روشن از مفهوم، مصداق و تقسیم بندی روح در آینه وحی است. واژه روح 21 بار در قرآن کریم آمده است؛

گاهی به صورت مقید و مضاف مانند روح القدس، روح الامین، روحی، روحنا و گاهی بدون اضافه و قید. برای دستیابی به تحلیلی متقن از روح در قرآن، لازم است از پیشینه معنایی این واژه در زبان عربی و عبری و کتب آسمانی پیشین نیز یاری جویم.

؛ کلیدواژه: روح؛ نفس؛ قلب

:مقدمه

حکمای اسلامی اقوال مختلفی مطرح شده و در آیات و روایات نیز مطالبی اجمالی در مورد روح بسیار زیاد مطرح شده است.

از دسترس علوم ظاهری و آرا و افکار اندیشمندان خارج بوده و نیاز به معرفتی کشفی خواهد داشت، همچنان که گفته اند:

یکی از آیات مهمی که در قرآن کریم اشاره اجمالی به ماهیت روح دارد آیه 85 سوره اسراء است میفرمایند: یسألون عن الروح قل الروح من امر ربي و ما اوتیتم من العلم الا قليلاً؛ از تو در باره روح می پرسند بگو: روح از امر پروردگار من است و جز اندکی از علم آن به شما داده نشده است ولی به طور کلی شناخت حقیقت روح در معنای قرآنی آن (که بیشتر اشاره به حقیقتی بالاتر در مورد این که در این آیه کدامیک از معانی روح مراد بوده است، نخست احتمالاتی مطرح می شود؛

همچون روح حیوانی، روح انسانی (نفس ناطقه)، روح القدس یا جبرئیل و روح به معنای مخلوقی

تر از ملائکه، اما آنچه مسلم است شناخت روح حیوانی که در علم طب از آن بحث می شود نمی تواند منظور این آیه باشد؛ چرا که شناخت ماهیت آن دور از دسترس علوم نبوده و در طب قدیم و علوم روحی جدید در مورد ماهیت آن مطالب مختلفی ارائه شده است.

روح را نمی توان همان جبرئیل دانست؛ چرا که کلمه روح غیر از آیه مذکور، در بسیاری از آیات قرآن تکرار شده و به قرینه این که در کنار ملائکه و متمایز از آنها ذکر شده (الملائكة و الروح) مسلماً امری غیر از ملائکه است و صریح برخی از روایات نیز به این تمایز اشاره دارد

علامه طباطبائی در باره چیستی روح در آیه "یسئلونک عن الروح....." می گوید: روح ظاهراً خلقی است بسیار وسیع تر از جبرئیل و غیر جبرائیل است و فرو فرستادیم. اصلاً معنای «أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً» روح القدس را از امر خودمان بر تو مِنْ أَمْرِنَا» تقریباً «نَزَّلْنَا رُوحَ الْقُدُسِ مِنْ أَمْرِنَا» می شود: ما نازل کردیم. خلاصه به عقیده ایشان مقصود از «روح» در اینجا خود آیات قرآن نیست، بلکه همان «حَقِيقَتِ حَامِلِ وَحْيٍ» است، و أَوْحَيْنَا هم در اینجا یعنی «فروود آوردیم».

روح و سیر تحول آن

معنای اصلی در مورد اصل معنای روح و مشتقات آن، نظرهای مختلفی ابراز شده است. ابن‌فارس می‌نویسد: «الراء و الواو و الحاء، اصل کبیر مطّرد يدل على سعة و فسحة و اطراد» یعنی کلماتی که سه حرف اصلی آنها ر - و - ح است دارای یک معنای اصلی هستند و آن معنا، وسعت و انبساط و گستردگی است. لغت پژوهان دیگری چون خلیل ابن احمد، از هری، جوهر ابن‌دُرید صرفاً به ذکر معانی و مصادیق این ماده پرداخته و در مقام تعیین معنای اصلی این باب نبوده اند

روح در قرآن

آیات دیگری که کلمه روح در آنها اطلاق شده است زیاد است و شاید کلیاتش همین‌هایی باشد که عرض شد. ظاهراً، هم در سوره‌های مکیه آمده و هم در سوره‌های مدنیّه، و حتی همین سوره آمده، سوره مکیه می‌دانند. در این سوره این بنی‌اسرائیل را که در آن آیه ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ﴾ یَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾ از تو درباره روح پرسش می‌کنند، { :مطلب آمده است بگو روح از امر پروردگار من است

در اینجا این مسأله مطرح شده که اولاً مقصود از روح در اینجا چیست؟ ثانیاً این جواب چطور جوابی است؟ آیا واقعاً جواب حقیقی است، یا خواسته بگویند شما درباره آن سؤال نکنید، این چیزی نیست که ما برایش تعریفی بکنیم تا شما بتوانید به ماهیت و حقیقت آن پی ببرید

مفسرین در این زمینه که این روحی که مورد سؤال بوده است چیست، اختلاف کرده اند. بعضی گفته اند چون قبلاً در بعضی آیات نام روح در عرض ملائکه آمده بوده است، این سؤال به وجود آمده که این روحی که غیر از ملائکه است، چیست. پس مورد سؤال، آن است

بعضی گفته اند مقصود از روح در اینجا خود قرآن است. همان کسانی که گفته اند در ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا﴾ مقصود از روح، خود آیات قرآن است، گفته اند در اینجا ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ ۱ [إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِ نَا الرُّوحِ]... یعنی وقتی درباره قرآن از تو سؤال می‌کنند بگو روح امری است که از ناحیه پروردگار نازل شده است

بعضی هم گفته اند که مقصود از «روح» در اینجا جبرئیل است. اینها همان کسانی هستند که روح الامین و روح القدس را مساوی با جبرئیل می‌دانند و گفته اند هر جا که در قرآن روح آمده است و مخصوصاً هر جا که در عرض ملائکه قرار گرفته، مقصود جبرئیل است. پس ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ﴾ سؤال از ماهیت جبرئیل است که حامل وحی است و بر پیغمبر نازل می‌شود و با پیغمبر سخن می‌گوید

بعضی هم گفته اند مراد از «روح» در اینجا روح انسانی است که در بعضی آیات دیگر آمده است: { سؤال از روح انسان کرده اند که مقصود چیست و جواب داده شده است ﴿وَقَدْ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ [که: مِنْ أَمْرِ رَبِّي]

بعضی دیگر می‌گویند (پیامبر این نظر را انتخاب می‌کنند) در اینجا سؤال از روح به معنی خاص نیست، بلکه سؤال کنندگان می‌دیده اند ذکر روح در قرآن زیاد آمده است بدون اینکه چیزی از آن

بفهمند و از جمله در مورد انسان استعمال شده است، لذا سؤال کرده اند این روح چیست؛ جواب آمده ایشان معتقدند که این جواب جواب واقعی است، نه جوابی که در واقع {است:} قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي به این معنا است که در این موضوع سؤال نکنید

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود انما الروح خلق من خلقه روح خلقت خداوند است روح ساختمانی مغایر با ساختمان ماده دارد اصول حاکم بر آن غیر از اصول حاکم بر ماده است پیامبذاکرم میفرماید روح از عالم اوست یعنی خلقتی اسرار آمیز دارد و سؤال از حقیقت مطلق روح هست و روح به معنای مبدا حیات و زندگی است که حیوان به وسیله آن احساس و حرکت ارادی خود را انجام میدهد و روح از سنخ امر است و امر خداوند چنان است که خود معرفی می کند فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کنند آنها به آن می گویند و آن موجود می و د امر خداوند در هر چیزی ملکوت شی است

۱ اطلاق «روح» درباره انسان

یکی دیگر از مواردی که تعبیر «روح» در قرآن آمده است آن جایی است که درباره انسان و یا انسانها به طور کلی آمده است. درباره آدم- که البته از مجموع آیات معلوم می شود که به آدم اول سپس او را تسویه کرد و از روح خود^۲ اختصاص ندارد- می فرماید: {ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ} در او دمید. میگویند معنای تسویه همان تعدیل کردن و تکمیل کردن است. ظاهرش این است که پس از آنکه خلقت جسمانی آدم را تکمیل کرد، از روح خود در او دمید. در آیه دیگر راجع به همان آدم وقتی که او را تکمیل کردم^۳ اول می فرماید: {فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ} و از روح خودم در او دمیدم، پس شما او را سجده کنید

آیات دیگری که کلمه روح در آنها اطلاق شده است زیاد است و شاید کلیاتش همینهایی باشد که عرض شد. ظاهراً، هم در سوره های مکیه آمده و هم در سوره های مدنیه، و حتی همین سوره بنی اسرائیل را که در آن آیه {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ} آمده، سوره مکیه می دانند. در این سوره این مطلب آمده است: {يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي} از تو درباره روح پرسش می کنند، بگو روح از امر پروردگار من است

در اینجا این مسأله مطرح شده که اولاً مقصود از روح در اینجا چیست؟ ثانیاً این جواب چطور جوابی است؟ آیا واقعاً جواب حقیقی است، یا خواسته بگویند شما درباره آن سؤال نکنید، این چیزی نیست که ما برایش تعریفی بکنیم تا شما بتوانید به ماهیت و حقیقت آن پی ببرید

مفسرین در این زمینه که این روحی که مورد سؤال بوده است چیست، اختلاف کرده اند. بعضی گفته اند چون قبلاً در بعضی آیات نام روح در عرض ملائکه آمده بوده است، این سؤال به وجود آمده که این روحی که غیر از ملائکه است، چیست. پس مورد سؤال، آن است

بعضی گفته اند مقصود از روح در اینجا خود قرآن است. همان کسانی که گفته اند در [وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا] مقصود از روح، خود آیات قرآن است، گفته اند در اینجا [يَسْأَلُونَكَ عَنِ] ^۴ [إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِ نَا

۲. سجده/ 9.

۳. حجر/ 29.

۴. شوری/ 52.

الرُّوح... یعنی وقتی درباره قرآن از تو سؤال می کنند بگو روح امری است که از ناحیه پروردگار نازل شده است.

روح در روایات

بعضی هم گفته اند که مقصود از «روح» در اینجا جبرئیل است. اینها همان کسانی هستند که روح الامین و روح القدس را مساوی با جبرئیل می دانند و گفته اند هر جا که در قرآن روح آمده است و مخصوصاً هر جا که در عرض ملائکه قرار گرفته، مقصود جبرئیل است. پس [يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ] سؤال از ماهیت جبرئیل است که حامل وحی است و بر پیغمبر نازل می شود و با پیغمبر سخن می گوید.

مفسرین در این زمینه که این روحی که مورد سؤال بوده است چیست، اختلاف کرده اند. بعضی گفته اند چون قبلاً در بعضی آیات نام روح در عرض ملائکه آمده بوده است، این سؤال به وجود آمده که این روحی که غیر از ملائکه است، چیست. پس مورد سؤال، آن است.

مقصود از روح، خود آیات قرآن است، گفته اند در اینجا [يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ]... یعنی وقتی درباره قرآن از تو سؤال می کنند بگو روح امری است که از ناحیه پروردگار نازل شده است که از ناحیه پروردگار نازل شده است بعضی گفته اند مقصود از روح در اینجا خود قرآن است. همان کسانی که گفته اند در [وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا]

بعضی هم گفته اند که مقصود از «روح» در اینجا جبرئیل است. اینها همان کسانی هستند که روح الامین و روح القدس را مساوی با جبرئیل می دانند و گفته اند هر جا که در قرآن روح آمده است و مخصوصاً هر جا که در عرض ملائکه قرار گرفته، مقصود جبرئیل است. پس [يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ] سؤال از ماهیت جبرئیل است که حامل وحی است و بر پیغمبر نازل می شود و با پیغمبر سخن می گوید.

احمد بن محمد حسين اردكاني، مرآت الاكوان (تحرير شرح هدايه ملاصدرا)، ص 37، ناشر، ميراث
مكتوب

15. الاسراء، 85؛ غافر، [2]

72. الحج، 29؛ صاد، [3]

171. المجادلة، 22؛ النساء، [4]

193. الشعراء، [5]

102. بقره، 87 و 253؛ مائده، 110؛ نحل [6]

1365. كليني، كافي، ج 1، ص 274، دارالكتب الاسلاميه، تهران، [7]

273. كافي، ج 1، ص [8]

طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان، موسوي همداني، سيد محمد باقر، ج 13، ص 171-172، [9]
1374. جامعه مدرسين، قم،

82. يس، [10]

528- 529. الميزان، ج 1، ص [11]

مرآت الاكوان (تحرير شرح هدايه ملاصدرا)، ص 36- توسعه پايدار و سازگاري انسان با طبيعت [12]

15. الاسراء، 85؛ غافر، [2]

72. الحج، 29؛ صاد، [3]

171. المجادلة، 22؛ النساء، [4]

193. الشعراء، [5]

102. بقره، 87 و 253؛ مائده، 110؛ نحل [6]

1365. كليني، كافي، ج 1، ص 274، دارالكتب الاسلاميه، تهران، [7]

273. كافي، ج 1، ص [8]

طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان، موسوي همداني، سيد محمد باقر، ج 13، ص 171-172، [9]
1374. جامعه مدرسين، قم،

82. يس، [10]

528- 529 الميزان، ج 1، ص [11]

مرآت الاكوان (تحریر شرح هدایه ملاصدرا)، ص36- توسعه پایدار و سازگاری انسان با طبیعت [12]

15. الاسراء، 85؛ غافر، [2]

72. الحج، 29؛ صاد، [3]

171. المجادلة، 22؛ النساء، [4]

193. الشعراء، [5]

102. بقره، 87 و 253؛ مائده، 110؛ نحل [6]

1365. کلینی، کافی، ج 1، ص 274، دارالکتب الاسلامیه، تهران، [7]

273. کافی، ج 1، ص [8]

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج 13، ص 171- 172، [9]
1374. جامعه مدرسین، قم،

82. یس، [10]

528- 529 المیزان، ج 1، ص [11]

مرآت الاكوان (تحریر شرح هدایه ملاصدرا)، ص36- توسعه پایدار و سازگاری انسان با طبیعت [12]

: منابع

1365. کلینی، کافی، ج 1، ص 274، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 2-

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج 13، جامعه مدرسین، قم، 3-
1374.

،(مرآت الاكوان (تحریر شرح هدایه ملاصدرا 4-

مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، انتشارات صدرا 5-

اسلام جوان شهید مطهری ج 4 انتشارات صدرا-6

شواهدالربوبیه شاهدها اول شاهدها اول اشراق 7 ملاصدرا تصحیح سیدمصطفی محقق دامادبنیادحکمت صدرا-7
1382

1382 شواهدالربوبیه شاهددوم مشهددوم ملاصدرا سیدمحقق دامادبنیادحکمت صدرا-8

221 اصول فلسفه و روش رئالیسم محمد حسین طباطبائی ج 2 ص 9-

سایت و پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت-10

سایت باشگاه خبرنگاران جوان-11

